

تفاوت معیارهای همسرگزینی جوانان و والدین

اسماعیل جهانبخش^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۳/۲۷

موضوع اصلی این مطالعه بررسی تفاوت نسلی در حوزه معیارهای همسرگزینی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین دو نسل والدین و فرزندان در شهر تهران است. چارچوب نظری و فرضیات تحقیق با استفاده از نظریات کلان و خرد که از طرف جامعه‌شناسان و سایر دانشمندان در این حوزه مطرح شده است، تشکیل گردیده‌اند. کار میدانی در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران با روش پیمایش و با استفاده از فن پرسشنامه صورت گرفته است. حجم نمونه در این پژوهش ۶۰۰ نفر و جامعه آماری شامل پدران دارای پسر مجرد و مادران دارای دختر مجرد ۱۹ سال یا بالاتر و پسران و دختران مجرد ۱۹ سال یا بالاتر ساکن شهر تهران بوده‌اند. حجم نمونه ۶۰۰ نفر و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای چند مرحله‌ای بین گروه‌های چهارگانه پاسخگو به طور مساوی تقسیم شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهند که در ۶ متغیر، تفاوت‌ها بین معیارهای نسل والدین در هنگام همسرگزینی خود با معیارهای همسرگزینی نسل فرزندان معنی دار هستند و در یک مورد، بین آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. آزمون فرضیات نشان می‌دهند که جنسیت، سن، تحصیلات، شغل، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، روابط با بستگان و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی موجب تفاوت بین دو نسل در معیارهای همسرگزینی می‌باشد. با آزمونهای رگرسیون و تحلیل مسیر مشخص شد که عمده‌ترین تعیین‌کننده‌ها در فاصله نسلی، نوع شغل، میزان تحصیلات و میزان استفاده از ماهواره می‌باشند که در مجموع ۴۹ درصد تغییرات فاصله نسلی را توضیح می‌دهند. همچنین، نتایج آزمون‌ها حاکی از آن است که در مجموع، بین معیارهای نسل والدین برای همسرگزینی فرزندانشان در مقایسه با نظرات نسل فرزندان در این مورد تفاوت معنی‌داری وجود نداشته است.

واژگان کلیدی: فاصله نسلی، همسرگزینی، معیارهای ظاهری و جسمی، معیارهای اخلاقی، معیارهای مذهبی، عشق و علاقه و تفاهم، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و روابط اجتماعی

مقدمه

تحولات ناشی از دوران گذار را می‌توان در آنچه که بنام « فاصله نسلی » نامیده می‌شود، به خوبی مشاهده نمود. به گونه‌ای که امیل دورکیم در تحقیقات خود در اروپای قرن نوزدهم به خوبی نشان داده است که در دوران گذار از سنت به مدرنیته، نابسامانی اجتماعی (Anomy) شدت می‌یابد، در این وضعیت پذیرش عمومی هنجارهای سنتی در حالی که هنجارهای جایگزین هنوز به وجود نیامده و یا عمومیت نیافته‌اند، از بین می‌روند. این وضعیت موجب خلأ هنجاری و شکاف ارزشی در نسل‌های جدید شده و به تبع آن، الگو ناپذیری فرزندان از والدین و نیز نافرمانی مدنی در سطح جامعه را به وجود می‌آورد.

کشور ایران نیز همچون سایر کشورهای جهان سوم در مرحله گذار از سنت به مدرنیته است که تغییرات اجتماعی وسیعی را در همه پدیده‌های اجتماعی از جمله: در ازدواج و همسرگزینی ایجاد کرده است، تغییراتی که موجب شده است تا دختران و پسران نگرش نوینی از پیوند زناشویی و ازدواج داشته باشند. دنیای جدید باعث بالا رفتن سطح آگاهی‌های اجتماعی، سواد عمومی و تحصیلات شده و به موازات آن سطح توقعات و انتظارات نسل جدید به مراتب بیشتر از گذشته شده است.

روند تحولات در ارزش‌ها، رسوم و الگوهای رفتاری به قدری سریع است که آن را در فاصله دو نسل (نسل والدین و نسل فرزندان) می‌توان تشخیص داد. فرزندان تأثیر بیشتری از قالب‌های دنیای مدرن می‌پذیرند و در انتخاب همسر، معیارهای دنیای متمدن را بیش از الگوهای ارزشی والدینشان در نظر می‌گیرند. امروزه برای زنان معیارهایی از قبیل داشتن نقش اجتماعی، تحصیلات دانشگاهی، تساوی حقوق با مردان، اجازه اشتغال در کارهای خارج از منزل و... از مسائلی است که مورد توجه آنان در انتخاب شوهرانشان می‌باشد و برای مردان جوان نیز تصمیم‌گیری در پذیرش و یا عدم پذیرش خواسته‌های دختران جوان در امور مذکور، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب همسرانشان دارد. از طرف دیگر، والدین در ایران هنوز نقش تعیین‌کننده‌ای در مشاوره با فرزندان در انتخاب همسر دارند و در برخی مواقع، الگوهای ارزشی‌شان متفاوت با فرزندان است که موجب چالش بین معیارهای والدین و فرزندان می‌شود. به نظر می‌رسد در جامعه کنونی ایران، تفاوت بین معیارهای والدین و فرزندان در ازدواج و همسرگزینی در بسیاری از خانواده‌ها همچنان به عنوان یکی از مشکلات همسرگزینی جوانان به شمار می‌رود که در این تحقیق، این موضوع به عنوان یکی از ابعاد فاصله نسلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اهداف تحقیق

- ۱- شناخت معیارهای همسرگزینی فرزندان؛
- ۲- شناخت معیارهای همسرگزینی والدین در هنگام ازدواج خود؛
- ۳- شناخت معیارهای والدین برای همسرگزینی فرزندان؛

۴- شناخت رابطه بین معیارهای همسرگزینی نسل والدین و نسل فرزندان؛

۵- شناخت عوامل مؤثر بر فاصله نسل والدین و نسل فرزندان در معیارهای همسرگزینی؛

مفاهیم اساسی تحقیق

مفهوم نسل (Generation)

نسل به عنوان یک واقعیت، شامل افرادی است که در فضای تاریخی و فرهنگی مشترک متولد شده‌اند، با معاصرانشان مرتبط و به لحاظ تاریخی هم دوره‌ای هستند. (Manheim, 1952: 290)

شکاف نسلی

در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، شکاف نسلی چنین تعریف شده است: شکاف ارزشی بین نسلی. (Value Intergeneration Gap) عدم انتقال ارزش‌های نسل پیشین به نسل پسین و در نتیجه فقدان درک و تفاهم ارزش‌ها میان نسل‌ها است که به دلیل تجربیات متفاوت آن‌ها ایجاد شده است.

مفهوم ارزش

در جامعه‌شناسی زمانی که از هنجارها، رسوم، رفتارها، ایدئولوژی‌ها و مانند آن صحبت می‌شود، این واژه را به عنوان یک مفهوم اجتماعی به کار می‌برند. در روانشناسی و روانشناسی اجتماعی، واژه ارزش عبارت است از: کیفیت از سوگیری‌های گزینشی که شامل اولویت‌ها، انگیزش‌ها، احتیاجات و نگرش‌های فردی و اجتماعی است. انتخاب‌ها، ملاک‌ها، معیارهای گزینش و تصمیم‌گیری نیز از نظر بسیاری از صاحب‌نظران این رشته‌ها تحت تأثیر نظام ارزش‌های فرد و جامعه می‌باشند.

معیار (Criterion)

معیار در لغت‌نامه‌های فارسی از جمله در لغت‌نامه «دهخدا» و «فرهنگ معین» به معنای «مقیاس و آلت سنجش و نیز سنگ محک و ترازو برای سنجش» معنا شده است. در این تحقیق علاوه بر اینکه کلمه معیار به معنای لغوی آن برای وسیله سنجش بکار رفته است، اما معنای وسیع‌تر آن همان‌گونه که در سایر مباحث اجتماعی و علوم انسانی نیز بکار می‌رود، همان مفهوم «ارزش» می‌باشد و «معیارهای همسرگزینی» در این تحقیق همان ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است که افراد برای گزینش همسر در نظر داشته و در تصمیم‌گیری خود برای انتخاب همسر آن‌ها را در نظر می‌گیرند.

مروری بر ادبیات تحقیق

۱. نظریات کلان در موضوع ارزش‌ها و فاصله نسلی

بنا به عقیده بسیاری از اندیشمندان فرهنگی و اجتماعی، معیارهای انتخاب از جمله در موضوع همسرگزینی جدا از ارزش‌های فردی و اجتماعی نیست و ارزش‌ها هستند که معیارهای رفتار، عمل و انتخاب را فراهم

می‌نمایند. لذا در این پژوهش نظریات مربوط به «ارزش‌ها» از دیدگاه صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف مورد بررسی و آزمون قرار گرفته شده است.

۱-۱ رویکرد نسل‌های تاریخی (View of Historical Generations)

کارل مانهایم (Karl Mannheim)

به عقیده مانهایم، نسل محل ظهور و تداوم جهت‌گیری‌های فکری و فرهنگی جدیدی است که در زمینه اجتماعی-تاریخی ویژه‌ای که هر نسل معینی در آن رشد کرده، ریشه دارد. این جهت‌گیری‌ها به صورت اهداف، نیات و راه‌حل‌های نو برای فشارها و مشکلات زندگی به صورت سبک نسلی ظاهر می‌شود.

(Manheim, 1952: 3)

مارگارت مید (Margaret Mead)

مید، تغییرات اجتماعی و سرعت آن را علت اصلی ایجاد فاصله نسلی می‌داند، زیرا چنین تغییراتی فرآیند مداوم و انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر را دچار وقفه و مشکل می‌کند و بین دو نسل مختلف، تجربه و فرهنگ متفاوت ایجاد می‌نماید.

رونالد اینگلهارت (Ronald Inglehart)

اینگلهارت، ضمن تقسیم‌بندی ارزش‌ها به دو دسته ارزش‌های مادی و ارزش‌های فرامادی معتقد است که مجموعه‌ای از تغییرات در سطح نظام باعث تغییرات در سطح فردی و به همین ترتیب پیامدهایی برای نظام هستند. وی تغییرات در سطح سیستم را توسعه اقتصادی و فناوری، ارضای نیازهای طبیعی به نسبت وسیع‌تری از جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، تجارب متفاوت گروه‌های سنی، گسترش و نفوذ رسانه‌های جمعی و افزایش تحرک جغرافیایی می‌داند. (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۶۱)

۱-۲ رویکرد گذار از سنت به مدرنیته (View of Tradition to Modernity Transition)

جورج زیمل (George Simmel)

نظریات زیمل را می‌توان تبیین‌کننده رشد فردگرایی در دنیای جدید دانست. فردگرایی رو به تزاید در نسل جدید، موجب به وجود آمدن اخلاقیات و ارزش‌هایی می‌شود که تمام عرصه‌های زندگی و از جمله ملاک‌ها و معیارهای انتخاب را برای نسل جوان، متمایز از نسل گذشته‌اش می‌نماید. گروه مرجع در نسل جوان نیز تحت تأثیر این فردگرایی دارای تفاوت‌هایی با نسل‌های قبل می‌شود.

آنتونی گیدنز (Anthony Giddens)

گیدنز منشأ دگرگونی فرهنگی را با تضاد بین سنت و مدرنیته و به تبع آن تقابل بین اختیار و خطرپذیری می‌بیند. گیدنز بر خلاف جامعه‌شناسان سلف خود، نه تنها الگوهای ارزشی نسل جدید را نشانه فساد نمی‌داند، بلکه آن‌ها را گونه‌ای دیگر از ملاک‌ها و معیارهای ارزشی می‌انگارد که حاکی از به وجود آمدن اخلاقیات جدید متناسب با دوران جدید است.

۳-۱ رویکرد ساختی - کارکردی (Structural- Functional View)

تالکوت پارسونز (Talcott Parsons)

پارسونز در متغیرهای الگویی خود (Pattern Variables) بسیاری از تفاوت‌های ارزش‌های سنتی و ارزش‌های دنیای جدید را در عرصه‌های مختلف بر می‌شمارد. از نظر پارسونز، همان‌گونه که در دنیای قدیم متغیرهای خاص آن دوران موجب برقراری نظم و ادامه حیات اجتماعی انسان‌ها شده است، در دنیای جدید نیز متغیرهای الگویی خاص آن، نظم را برای جامعه به ارمغان می‌آورد.

پارسونز معتقد است که عمل‌کننده، دارای انگیزه‌ای است که انرژی خود را صرف دستیابی به یک هدف می‌نماید که آن هدف، توسط نظام فرهنگی تعریف شده است. (ممتاز، ۱۳۷۲: ۱۳۴) برای مثال، عمل‌کننده (فرد) قصد ازدواج دارد، عمل (ازدواج) در شرایطی واقع می‌شود که راه‌هایی برای رسیدن به هدف و موانعی برای رسیدن به آن وجود دارد، اما نکته مهم این است که تمام عوامل بالا تحت تأثیر معیارهای هنجاری در نظام اجتماعی قرار دارند. (همان، ۱۳۸)

رابرت مرتن (Robert K. Merton)

توجه ویژه مرتن به فرهنگ‌ها و جوامعی است که تأکید زائد الوصفی بر ارزش‌ها و اهداف فرهنگی داشته و در مقابل، اسباب و وسایل حصول به آن اهداف، کمتر تأکید و مشخص شده است. طبق نظریه مرتن، از نظر نسل جدید بین اهداف مورد قبول جامعه مثل ثروت، منزلت، زیبایی، شهرت و وسایل رسیدن به آن‌ها که از نظر جامعه عبارت از: علم، کاردانی، لیاقت، مهارت، تخصص و تجربه است، هماهنگی لازم و کافی وجود ندارد، لذا بسیاری از اعمال، رفتارها، معیارها و ارزشهای نسل جدید با نسل والد منطبق نبوده و بین آن‌ها چالش به وجود می‌آید. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۵۰)

رویکرد جهان اجتماعی (Social World View)

پی‌یر بوردیو (Pierre Bourdieu)

فرد بر اساس ساختمان ذهنی (Habitus) منحصربه‌فرد خود که تحت تأثیر محیط اجتماعی او قرار دارد، جهان و محیط اجتماعی را می‌بیند و بر مبنای آن کنش انجام می‌دهد. طرز نشستن، لباس پوشیدن، سبک زندگی، باورها و نگرش‌ها، تقیدات و پایبندی‌ها، تبعیت از فرهنگ مدرن یا سنتی همه بازتاب ساختمان ذهنی اوست. ساختمان ذهنی انتقال‌پذیر و ماندگار است و با اینکه جهان اجتماعی را تولید می‌کند، خود نیز تولید شده جهان اجتماعی است. (ریتزر، ۱۳۷۷: ۷۲۱-۷۲۲)

۲. نظریات خرد در موضوع ارزش‌ها و فاصله نسلی

نظریه مراحل رشد (Theory of developmental Stage)

نظریه مراحل رشد می‌گوید: الگوی تأثیرگذاری میان والدین و فرزندان ممکن است در طول زمان تغییر کند. والدین مسن در سالهای آخر زندگی به بچه‌های در سن میانه‌شان به لحاظ نصیحت و اخلاقیات، بیشتر از

قبل وابسته‌اند و این با انعکاس کاهش اقتدار فیزیکی و فقدان قدرت اجتماعی توأم است. بر حسب این نظریه بچه‌ها در حرکت زمان به صورت افزایشی بر والدینشان تأثیر می‌گذارند، درحالی‌که تأثیر والدین بر گرایش‌های فرزندان با حرکت زمان (پیرتر شدن) کاهش می‌یابد.

آموزش (Education)

در کشورهای در حال توسعه که بی‌سوادی گریبان گیر اکثریت مردم است، آموزش به عنوان عاملی پر قدرت و مطمئن در دگرگونی فرهنگی و روانی تلقی می‌گردد. روشه می‌گوید: آموزش در این جوامع باعث ایجاد اشکال جدیدی از تفکر، گسترش دیدگاه‌ها و درک انسان‌ها از جهان می‌گردد و نیز موجب اسطوره زدایی در ارتباط با محیط طبیعی می‌شود، عقل‌گرایی را در شناخت و عمل توسعه می‌دهد و بالأخره قضاوت‌ها و روابط اجتماعی را به هنجارهای عمومی و خاصی مبدل می‌نماید. (روش، ۱۳۶۶: ۲۳۲)

اشتغال والدین

از آنجایی که مادران شاغل زمان کمتری را صرف فرزندان می‌نمایند، تأثیر کمتری در مقایسه با پدر بر فرزندان دارند. از طرف دیگر، هرچند مادران شاغل زمان کمی را صرف فرزندان می‌نمایند و به احتمال زیاد با کاهش توجه به فرزند، وقتشان صرف کار و حرفه‌شان می‌گردد، با این حال این معاوضه و بده و بستان بین کاهش زمان صرف فرزند کردن و کسب دانش ویژه ممکن است به طور افزایشی در توجه به تربیت کودک مهم باشد.

درباره تأثیر اشتغال پدر باید گفت: به دلیل برخورد با زندگی شغلی، پدر بیشتر از مادر امکان انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به زندگی خانوادگی دارد، ولی از طرف دیگر، غیبت طولانی از خانه در مدت روز، مانعی اساسی بر سر راه انتقال ارزش‌ها به فرزندان است. (مهدوی، ۱۳۶۷: ۱۴۰)

کاهش اقتدار

لش (Lasch) ضمن مطرح کردن این مسئله که جامعه‌پذیری خانوادگی در آمریکا، به طور فزاینده‌ای اشکال اقتدار در جامعه‌پذیری سنتی را رها کرده، معتقد است که نبود اقتدار در جامعه‌پذیری، باعث خودشیفتگی (Narcissism) می‌شود. وی می‌گوید: کاهش حضور پدر (والد) در خانه باعث کاهش اقتدار وی می‌گردد و منظور وی از غیبت پدر در خانه، فقط غیبت فیزیکی نیست، بلکه بیشتر غیبت احساسی است. لش تأکید می‌کند که عدم حضور پدر در جوامع معاصر، باعث وجود وقایع ناگواری در خانواده می‌گردد. از جمله مهم‌ترین آثار این نوع از جامعه‌پذیری خانوادگی غیر مقتدرانه، این است که افرادی که در چنین فضایی جامعه‌پذیری خود را سپری می‌نمایند، کمتر فشار اجتماعی را درونی می‌کنند، به عبارت دیگر، آن کسی که اقتدار را می‌شکند، می‌تواند نظام اخلاقی را هم مورد تهدید قرار دهد. (همان: ۱۴)

طبقه اقتصادی - اجتماعی

بنگستون (Bengston) معتقد است: والدین در طبقات اجتماعی و اقتصادی خاص به جامعه‌پذیری ارزش‌های خاص به فرزندانشان توجه نشان می‌دهند. افراد طبقات متوسط در ارزش‌هایشان به رویکرد درونی توجه دارند و از روش نصیحت و راهنمایی استفاده می‌نمایند. والدین طبقات پایین از روش خشک (تنبیه) استفاده می‌نمایند. به عبارت دیگر، شکاف در ارزش‌ها بین پیشرفته‌ها و عقب‌مانده‌ها از نظر آموزش و تحصیلات وجود دارد. (خلیفه، ۱۳۷۸: ۹۹-۱۰۸)

همچنین، کوهن در کار خود معتقد است که یقه آبی‌ها (طبقه کارگر) ارزش هم‌نوایی را به بچه‌هایشان انتقال می‌دهند و یقه سفیدها (کارمندان) ارزش خود جهت‌دهی یا قضاوت مستقلانه را به بچه‌هایشان منتقل می‌نمایند.

اعتماد (Trust)

به نظر اینگلهارت، کاهش اعتماد به حکومت بخشی از کاهش گسترده احترام به اقتدار است که با فرآیندهای مدرنیزاسیون و پست مدرنیزاسیون در ارتباط است. (خالقی فر، ۱۳۸۱: ۱۵۷)

بی‌اعتمادی نسل فرزندان به عاملان جامعه‌پذیری، در واقع بی‌اعتمادی به ارزش‌ها، عقاید و احکام آنان است که در نهایت طرد آن‌ها را به دنبال دارد.

وسایل ارتباط جمعی

مارتین سگالن (Martine Segalen) در کتاب جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، تأکید می‌کند که امروزه در کنار تفکیک جغرافیایی حوزه‌های کار و سکونت، ناپدید شدن پدیده همسایگی، وجود مادران شاغل و متخصصان مسئول مراقبت از اطفال و تأثیر تلویزیون از جمله عواملی هستند که به ایجاد شکاف بین دنیای کودکان و بزرگ‌سالان کمک می‌کنند. (سگالن، ۱۳۷۰: ۸۳)

چارچوب نظری تحقیق

در شکل‌گیری چارچوب نظری در این تحقیق، دو دسته نظریات مورد استفاده قرار گرفته‌اند: نظریاتی که برای ساختن شاخص‌های متغیر وابسته تحقیق یعنی: معیارهای همسرگزینی در دو نسل والدین و فرزندان مد نظر بوده‌اند و نظریاتی که مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای اصلی تحقیق هستند.

نظرات پارسونز مبنی بر اهمیت هنجارها و ارزش‌ها به منظور برقراری نظم اجتماعی توضیح‌دهنده برای انتخاب‌های افراد در صحنه‌های مختلف زندگی از جمله در گزینش همسر می‌باشند. در مکتب کارکردگرایی ساختاری، نظریات رابرت مرتن مبنی بر عصیان نسل جوان علیه هنجارهایی که از گذشته به آن‌ها تحمیل می‌شود نیز در تبیین بسیاری از کنش‌های نسل‌های مختلف می‌تواند راهگشا باشد. نظرات مارگارت مید، به تبیین کنش‌های کنشگران اجتماعی بر اساس تغییرات اجتماعی و تأثیرات آن به خصوص بر نسل‌های دوران انقلاب‌ها و تغییرات می‌پردازد و هر دوران تاریخی را مستلزم افکار، عقاید، انتظارات و توقعات ویژه آن دوران می‌داند و به وجود

آمدن فاصله نسلی را به ویژه در تحولات اجتماعی، امری الزامی می‌شمارد. نظریات متأخرین در جامعه‌شناسی مبنی بر تلفیق ساختار و عاملیت یا ساختار و کنشگر از جمله: نظریات بوردیو و گیدنز در تبیین رفتار نسل‌ها در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در موضوع همسرگزینی نیز نظریات گوناگونی از قبیل نظریه همسان‌همسری (The Theory of Homogamy) ، نظریه‌های تصور از همسر مطلوب (The Theory of Ideal Mate Image) نظریه مجاورت مکانی (The Theory of Propinquity) و نیز نظریه مبادله (Exchange Theory) هومنز در تبیین موضوع مورد بحث در این پژوهش، مفید و مؤثر بوده‌اند.

مهم‌ترین نظریه مورد استفاده در شکل‌گیری مراحل این تحقیق، نظریه بوردیو در مورد تکوین ساختمان ذهنی (عادت واره- منش) است. بوردیو معتقد است که ذهن فرد را ساختارهای جامعه می‌سازند و در عین حال ساختارهای اجتماعی، متناسب با ذهنیت افراد ساختار بندی می‌شوند از همین روی، ساختمان ذهنی بر وفق ماهیت جایگاه افراد در جهان اجتماعی تغییر می‌پذیرد و برای همین است که افراد گوناگون، ساختمان ذهنی واحدی در جامعه ندارند. به هر روی، آن‌هایی که جایگاه واحدی در جهان اجتماعی دارند، از ساختمان ذهنی مشابهی نیز برخوردارند. (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۲۱)

هرچند در نظریات بوردیو تأثیر طبقه اجتماعی مارکس، روح جمعی دورکیم، عقاید وبر مبنی بر تأثیر تحول در اندیشه در تحول کنش کنشگر و بسیاری دیگر از جامعه‌شناسان را می‌توان مشاهده نمود، اما بوردیو توانسته است مجموع نظریات سابقین را جمع‌بندی و آن‌ها را متناسب با شرایط امروزه (دهه‌های منتهی به پایان قرن بیستم) تبیین نماید.

بنا بر آنچه گذشت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تفاوت نسلی در حوزه معیارهای همسرگزینی از یک طرف ناشی از تأثیر ساختارهای اجتماعی است که افراد هر نسلی را در درون شبکه‌هایی از ساختارهای اجتماعی و پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی ویژه‌ای قرار می‌دهند که آن نسل را ناگزیر از پذیرش ملزومات آن ساختارها و شبکه‌ها نموده و انتخاب‌هایشان را در ارتباط و متأثر از آن‌ها می‌نمایند و از طرف دیگر، کنشگران به عنوان افرادی که دارای نقش تعیین‌کننده در گزینش کنش‌های مناسب با حداقل هزینه و حداکثر پاداش (به تعبیر نظریه پردازان مکتب مبادله) هستند، می‌توانند در کنش‌هایشان سود و زیان خود را تشخیص داده و در انتخاب‌های خود، انتخاب عقلانی (Rational Choice) داشته باشند.

روش پژوهش

در این تحقیق، از روش پیمایش (survey) بهره گرفته شده است. روش گردآوری اطلاعات، پرسشنامه است. جامعه آماری در این تحقیق، شامل آن گروه از خانوارهای شهر تهران است که در زمان تحقیق، ساکن دائم در یکی از مناطق ۲۲ گانه این شهر بوده و دارای حداقل یک فرزند مجرد ۱۹ تا ۳۴ سال بودند. حجم

نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۶۰۰ نفر محاسبه شد و نمونه‌ها برای هر یک از چهار موقعیت مختلف افراد در خانوارها شامل پدران، مادران، پسران و دختران به طور مساوی و به تعداد ۱۵۰ نفر تعیین گردید.

چگونگی جمع‌آوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات، ابتدا پرسشنامه‌های تحقیق پس از اصلاحات لازم به صورت پرسشنامه‌های اولیه‌ای برای چهار نوع موقعیت پاسخگویان در خانوارها (پدران، مادران، پسران و دختران) تهیه شد و مورد آزمون اولیه قرار گرفت. نتایج حاصل از این آزمون، مثبت ارزیابی شد، چرا که آزمون پایایی سؤالات تحقیق با استفاده از آزمون آلفا کرونباخ در نرم‌افزار spss بالای ۰/۷۵ بود که سؤالات تحقیق را دارای روابط درونی همگن نشان می‌داد. از نسل والدین در مورد معیارهای همسرگزینی آن‌ها در موقع ازدواج خودشان و هم معیارهایی که برای ازدواج فرزندانشان ترجیح می‌دهند، سؤال به عمل آمد، نسل فرزندان هم در ارتباط با معیارهای همسرگزینی‌شان مورد پرسش قرار گرفته اند. به این ترتیب، فاصله نسلی در حوزه معیارهای همسرگزینی از یک‌طرف با توجه به معیارهای والدین در زمان گذشته و هنگام انتخاب همسر برای خودشان و از طرف دیگر، با توجه به آنچه که در حال حاضر برای همسرگزینی فرزندانشان مد نظر دارند، در مقایسه با معیارهای همسرگزینی فرزندان مورد تحقیق و بررسی قرار گرفت. برای سهولت در مصاحبه و پرسشگری، پرسشنامه‌های مزبور به صورت چهار نوع ویژه پدر، مادر، پسر و دختر تنظیم شدند که در هر یک از آن‌ها بعضی از کلمات و عبارات با توجه به نوع مخاطب، متفاوت می‌باشد، اما همه آن‌ها از محتوای یکسانی برخوردار هستند. پاسخگویانی که پدر خانوار هستند، دارای فرزند پسر در سن ازدواج و مادران دارای دختران در سن ازدواج می‌باشند، لذا سؤالات پرسشنامه پدران در مورد ملاک‌های خودشان و نیز ترجیحات آن‌ها برای پسرانشان و سؤالات پرسشنامه مادران در مورد ملاک‌های ازدواج خودشان و نیز ترجیحات آن‌ها برای دخترانشان بوده است. در این تحقیق پدران، مادران، پسران و دختران از خانوارهای مختلفی بوده‌اند و مقایسه زوجی امکان‌پذیر نبوده است، لذا فاصله نسلی در این تحقیق عبارت از: میانگین مجموع قدر مطلق‌های تفاضل نظرات پدران با پسران و تفاضل نظرات مادران با دختران می‌باشد.

جدول ۱: خلاصه آزمون‌های مربوط به شاخص‌ها و گویه‌های متغیر وابسته (تفاوت معیارهای

همسرگزینی نسل والدین در موقع ازدواج خودشان با معیارهای نسل فرزندان برای همسرگزینی)

وضعیت معنی‌داری (نسل والدین - نسل فرزندان)	نسل والدین - نسل فرزندان	مادران - دختران	پدران - پسران	شاخص‌ها و گویه‌ها
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	زیبایی ظاهری و خوش‌اندام بودن
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	شیک‌پوش بودن و آراستگی همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معیارهای ظاهری و جسمی همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	تمکن مالی خانواده همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۷۷۱	۰/۰۰۰	شاغل بودن همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۸۷	درآمد بالای همسر
-	۰/۷۸۴	۰/۷۸۴	-	موافقت پسر و خانواده‌اش با مهریه
+	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	جهیزیه دختر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	موقعیت مالی و اقتصادی همسر و خانواده‌اش
-	۰/۳۵۵	۰/۰۷۹	۰/۶۸۲	خوش‌اخلاق بودن همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	دین‌داری همسر
+	۰/۰۳	۰/۰۳	-	وقار و متانت پسر
+	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	محبوبه بودن دختر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معیارهای اخلاقی و مذهبی همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	حداقل تحصیلات همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	تحصیلات دانشگاهی همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	تحصیلات همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	خویشاوند بودن همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	همشهری بودن همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۷۸	۰/۰۰۰	هم قوم بودن همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	همسان همسری قومی - مکانی
-	۰/۸۵۷	۰/۲۶۶	۰/۳۸۳	عشق و علاقه بین دختر و پسر
+	۰/۰۰۴	۰/۰۸۰	۰/۰۲۳	تفاهم و درک متقابل بین دختر و پسر

-	۰/۰۶۴	۰/۰۷۰	۰/۴۱۶	عشق و علاقه و درک و تفاهم متقابل
+	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	تبحر زن در کارهای منزل
-	۰/۵۱۵	۰/۵۱۵	-	مشارکت مرد در کارهای منزل
+	۰/۰۰۰	۰/۵۱۵	۰/۰۰۰	توانایی همسر در مدیریت منزل

همان‌گونه که در جدول ۱ ملاحظه می‌گردد، تفاوت میانگین‌های نظرات نسل والدین و نسل فرزندان در ۶ شاخص از ۷ شاخص کلی این متغیر، معنی‌دار و در یک شاخص فاقد سطح معنی‌داری لازم است و از نظرات ارائه‌شده به وسیله دو نسل والدین و فرزندان در مورد ۲۰ گویه مربوط به این شاخص‌ها، ۱۶ مورد معنی‌دار و ۴ مورد فاقد سطح معنی‌داری لازم است.

جدول ۲: آزمون تفاوت مجموع نظرات نسل والدین در مورد معیارهای همسرگزینی در موقع ازدواج خودشان با معیارهای نسل فرزندان برای همسرگزینی خود

t-test for Equality of Means						
نسل فرزندان	نسل والدین	دختران	مادران	پسران	پدران	
۳۰۰	۳۰۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	تعداد نمونه
۵۷/۰۳	۴۰/۰۳	۵۳/۷	۴۱/۷	۶۰/۳	۳۸/۳	میانگین
	-۱۷/۰		-۱۲/۰		-۲۲/۰	تفاوت میانگین‌ها
	-۲۲/۵		-۱۱/۹		-۲۱/۰	t
	۵۹۸		۲۹۸		۲۹۸	df
	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	Sig. (2-tailed)

همان‌گونه که در جدول ۲ نشان داده شده است، تفاوت نظرات نسل والدین و نسل فرزندان در مورد مجموع ۱۶ گویه معنی‌دار نیز در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار می‌باشند در نتیجه:

بین معیارهای نسل والدین در هنگام همسرگزینی خود با معیارهای نسل فرزندان برای همسرگزینی‌شان، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۳: فاصله معیارهای همسرگزینی نسل والدین در هنگام ازدواج خود با معیارهای نسل فرزندان برای همسرگزینی‌شان (فاصله نسلی)

		گروه‌های پاسخگو		فاصله	جمع
		پایین	متوسط		
۱	۵۴	۸۵	۱۱	تعداد	پدران (در مقایسه با میانگین معیارهای پسران)
۱	۶۰	۷۵	۱۵	تعداد	پسران (در مقایسه با میانگین معیارهای پدران)

۱	۱۱	۷۶	۶۳	تعداد	مادران (در مقایسه با میانگین معیارهای دختران)
۱	۱۰	۸۰	۶۰	تعداد	دختران (در مقایسه با میانگین معیارهای مادران)
۶	۱۳	۳۱	۱۴۹	تعداد	جمع (نسل والدین در مقایسه با نسل فرزندان)

همان‌گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، در همه گروه‌های پاسخگو فاصله نسلی متوسط دارای بیش‌ترین میزان و فاصله نسلی پایین در کمترین میزان است.

نتایج محاسبه و تحلیل رگرسیون

آزمون‌های همبستگی بین متغیرهای مستقل و فاصله نسلی، متغیرهای واقع در جدول ۴ را با متغیر وابسته در سطح ۹۵٪ معنی‌دار می‌دانند، لذا این متغیرها وارد تحلیل رگرسیون شده‌اند. سایر متغیرها دارای همبستگی معنی‌داری با فاصله نسلی نبوده‌اند.

جدول ۴: متغیرهای مستقل که دارای همبستگی معنی‌دار با فاصله نسلی بوده‌اند و وارد تحلیل رگرسیون شده‌اند.

سطح	روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین جنسیت و فاصله نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین سن و فاصله نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین وضعیت شغلی و فاصله نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین پایگاه اقتصادی، اجتماعی و فاصله نسلی
۰/۰۲۰	آزمون رابطه بین روابط با بستگان پدر خانوار و فاصله نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین میزان استفاده از ماهواره و فاصله نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین میزان استفاده از تلویزیون و فاصله نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین میزان استفاده از رادیو و فاصله نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین میزان استفاده از اینترنت و فاصله نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین میزان مطالعه روزنامه و مجله و فاصله نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین نوع شغل پاسخگویان و فاصله نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین میزان تحصیلات پاسخگویان و فاصله نسلی

جدول ۵ محاسبه ضریب رگرسیون و اثرات مجموعه متغیرهای مستقل را - که همبستگی معنی‌داری با متغیر وابسته داشته‌اند و وارد تحلیل شده‌اند - بر روی فاصله نسلی نشان داده است. مقدار ضریب تعیین در این جدول نشان می‌دهد که حدود ۴۹٪ تغییرات در فاصله نسلی به وسیله مجموع متغیرهای مستقل مزبور قابل تبیین است. همچنین، جدول ۶ نیز معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه خطی میان متغیرها را بیان می‌کند و

معنی دار بودن آن را در سطح ۹۹٪ اطمینان مورد تأیید قرار می دهد. ضمن آنکه این سطح معنی داری، برازش قابل قبول نمونه را نیز نشان می دهد.

جدول ۵: نتایج آماره های تحلیل رگرسیون چند متغیره فاصله نسلی

خطای استاندارد برآورد St. Er. Of Etimate	ضریب تعیین تعدیل شده Adj. R Square	ضریب تعیین R Square	ضریب همبستگی چندگانه R
۰/۴۹۴	۰/۴۸۵	۰/۴۹۴	۰/۷۰۳

نتایج معادله رگرسیون متغیر وابسته (فاصله نسلی) با در نظر گرفتن ضرایب Beta (تأثیر متغیرهای مستقل) R (ضریب همبستگی رگرسیونی)، R Square (ضریب تعیین) و سطوح معنی داری را در این مرحله از تحلیل می توان به ترتیب زیر ذکر کرد:

متغیر نوع اشتغال با ضریب بتای ۰/۴۲۳ تأثیرگذارترین عامل، متغیر میزان استفاده از ماهواره با ضریب بتای ۰/۲۷۵ دومین عامل و متغیر میزان تحصیلات پاسخگویان با ضریب بتای ۰/۱۷۲ سومین عامل تأثیرگذار بر فاصله نسلی شهروندان تهرانی است که به طور مستقیم با فاصله نسلی رابطه دارند.

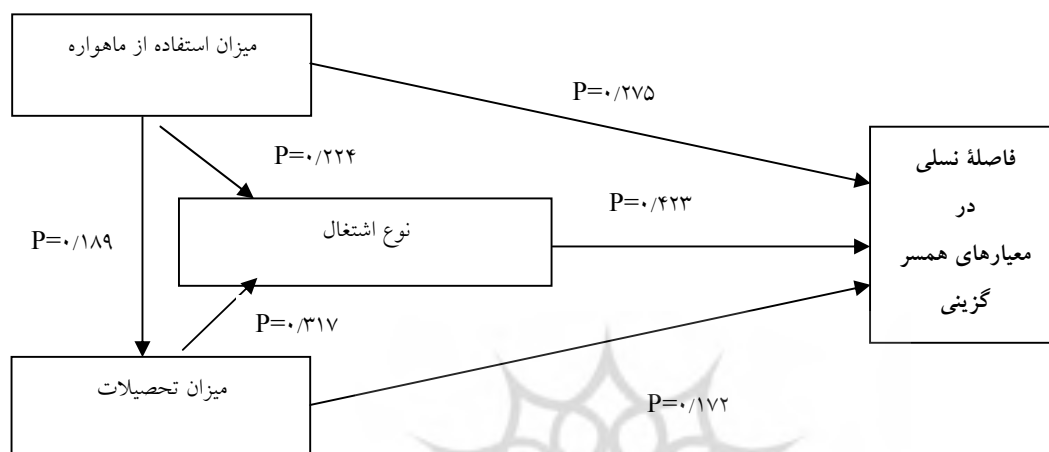
جدول ۶: نتایج معنی داری ضرایب بتای متغیرهایی که با فاصله نسلی رابطه همبستگی نشان داده اند.

Sig.	t	Beta	St. Er.	B	
۰/۰۰۰	۱۲/۹۸	۰/۴۲۳	۰/۰۱۲	۰/۱۵۶	نوع اشتغال پاسخگویان
۰/۰۰۰	۸/۰۲	۰/۲۷۵	۰/۰۴۷	۰/۳۷۸	میزان استفاده پاسخگویان از ماهواره
۰/۰۰۰	۴/۸۵	۰/۱۷۲	۰/۰۲۴	۰/۱۱۹	میزان تحصیلات پاسخگویان

تحلیل مسیر

هر چند در نرم افزار SPSS برای تحلیل مسیر راه ویژه و اختصاصی تعبیه نشده است، اما از راه تحلیل رگرسیون می توان به تحلیل مسیر پرداخت. (جهانبخش، ۱۳۸۲: ۷۵) با توجه به تحلیل های رگرسیون انجام شده و ضرایب بتای مربوط به همبستگی هر یک از متغیرهای مستقل در هر مرحله و هر یک از متغیرهای وابسته در مراحل بعد، می توان نمونه مسیر و ضرایب اثرات مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرها را با متغیر وابسته اصلی تحقیق و نیز متغیرهای وابسته میانی به صورت زیر نشان داد:

نمونه مسیر



تفاوت معیارهای نسل والدین برای همسرگزینی فرزندان با معیارهای نسل فرزندان: همان‌گونه که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، تفاوت میانگین‌های نظرات نسل والدین و نسل فرزندان در مورد ۳ شاخص از ۷ شاخص کلی این متغیر، معنی‌دار و در ۴ شاخص، فاقد سطح معنی‌داری لازم است و نظرات در مورد ۲۰ گویه مربوط به این شاخص‌ها ۷ مورد معنی‌دار و ۱۳ مورد فاقد سطح معنی‌داری لازم است.

جدول ۷: خلاصه آزمون‌های تفاوت معیارهای نسل والدین برای همسرگزینی فرزندان با معیارهای

نسل فرزندان

وضعیت معنی‌داری (نسل والدین نسل فرزندان)	نسل والدین و نسل فرزندان	مادران و دختران	پدران و پسران	شاخص‌ها و گویه‌ها
-	۰/۲۸۵	۰/۸۲۸	۰/۰۷۶	زیبایی ظاهری و خوش اندام بودن همسر
-	۰/۷۰۳	۰/۱۸۹	۰/۰۶۷	شیک پوش بودن و آراستگی همسر
-	۰/۱۰۲	۰/۳۴۷	۰/۰۴۴	معیارهای ظاهری و جسمی همسر
+	۰/۰۲۷	۰/۶۶۹	۰/۰۰۸	تمکن مالی خانواده همسر
-	۰/۳۲۰	۰/۰۴۵	۰/۶۷۰	شاغل بودن همسر
-	۰/۰۶۵	۰/۴۰۵	۰/۰۲۲	درآمد بالای همسر
-	۰/۲۸۱	۰/۲۸۱	-	موافقت پسر و خانواده‌اش با مهریه متناسب
+	۰/۰۱۵	-	۰/۰۱۵	میزان جهیزیه دختر
-	۰/۹۴۰	۰/۳۹۳	۰/۴۰۷	موقعیت مالی و اقتصادی همسر و خانواده‌اش
-	۰/۴۶۲	۰/۳۸۶	۰/۸۵۶	خوش اخلاق بودن همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	دین‌داری همسر
-	۰/۵۳۷	۰/۵۳۷	-	وقار و متانت پسر
+	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	محجبه بودن دختر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۹۸	۰/۰۰۰	معیارهای اخلاقی و مذهبی همسر
-	۰/۱۶۲	۰/۵۵۰	۰/۰۳۰	حداقل تحصیلات همسر
-	۰/۱۹۲	۰/۲۶۷	۰/۰۰۳	تحصیلات دانشگاهی همسر
-	۰/۰۷۶	۰/۲۱۸	۰/۰۰۱	تحصیلات همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۷۳۰	۰/۰۰۰	خویشاوند بودن همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	همشهری بودن همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۶۳	۰/۰۰۲	هم قوم بودن همسر
+	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	همسان همسری قومی - مکانی
-	۰/۲۹۸	۰/۳۲۳	۰/۰۱۲	عشق و علاقه بین دختر و پسر

-	۰/۸۷۷	۰/۷۱۱	۰/۸۶۵	تفاهم و درک متقابل بین دختر و پسر
-	۰/۴۴۳	۰/۶۸۷	۰/۱۳۱	عشق و علاقه و درک و تفاهم متقابل بین دختر و پسر
+	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	تبحر زن در کارهای منزل
-	۰/۲۵۲	۰/۲۵۲	-	مشارکت مرد در کارهای منزل
+	۰/۰۰۰	۰/۲۵۲	۰/۰۰۰	توانایی همسر در مدیریت منزل

میانگین مجموع گویه های مربوط به متغیر وابسته در این فرضیه نیز با t - test آزمون شده‌اند که نتایج آن‌ها در جدول ۸ ملاحظه می‌شوند:

جدول ۸: آزمون تفاوت نظرات نسل والدین برای همسرگزینی فرزندان با معیارهای نسل فرزندان

t-test for Equality of Means						
نسل فرزندان	نسل والدین	دختران	مادران	پسران	پدران	
۳۰۰	۳۰۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	تعداد نمونه
۵۹/۸۴	۵۹/۱۴	۶۲/۶۸	۱/۶۹	۵۹/۲۲	۶۰/۵۰	میانگین
	-۰/۷۱		۰/۰۱		۱/۲۸	تفاوت میانگین‌ها
	-۰/۹۵۹		۰/۰۱۴		۱/۱۲۴	t
	۵۹۸		۲۹۸		۲۹۸	df
	۰/۳۳۸		۰/۹۸۹		۰/۲۶۲	Sig. (2-tailed)

همان‌گونه که جدول ۸ نشان می‌دهد، تفاوت میانگین‌ها برای پدران - پسران، مادران - دختران و برای نسل والدین و نسل فرزندان معنی‌دار نمی‌باشند، در نتیجه:

بین معیارهای نسل والدین برای همسرگزینی فرزندان با معیارهای همسرگزینی نسل فرزندان، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

یافته های پژوهش

- تفاوت محسوسی بین پدران و مادران در زمان ازدواج خودشان و پسران و دختران از نظر ملاک‌های ظاهری و جسمی مشاهده می‌شود.
- داشتن شغل چه از نظر نسل والدین و چه از نظر نسل فرزندان اهمیت زیادی در همسرگزینی داراست.
- هر دو گروه پاسخگوی مادران و دختران اهمیت بالایی برای میزان مهریه متناسب قائل بوده‌اند.
- پسران اهمیت بیشتری نسبت به پدران در هنگام ازدواج خودشان، برای جهیزیه دختر اهمیت قائل هستند.

- «خوش اخلاق بودن همسر» در همه گروه‌های پاسخگو، دارای اهمیت بالایی است. آزمون‌های آماری نیز تفاوت‌های گروه‌های پاسخگو در مورد این معیار را معنی‌دار نمی‌داند.
- معیار اهمیت دین‌دار بودن همسر در همسرگزینی به طور محسوسی بین دو نسل والدین و فرزندان متفاوت بوده است.
- در مورد اهمیت محجبه بودن دختر به عنوان ملاک همسرگزینی، پدران چه هنگام ازدواج خودشان و چه برای همسرگزینی پسرانشان اهمیت بالایی برای این معیار قائل بوده‌اند. پسران در مجموع اهمیت زیادی برای محجبه بودن دختر قائل نبوده‌اند.
- متانت داشتن و باوقار بودن پسر به عنوان معیار همسرگزینی برای مادران و دختران، دارای اهمیت بالایی بوده است.
- در مورد داشتن تحصیلات دانشگاهی به عنوان معیار همسرگزینی، پسران و دختران نسبت به نسل والدین در هنگام ازدواج خودشان اهمیت بیشتری قائل می‌باشند. پدران و مادران نیز برای همسرگزینی فرزندانشان اهمیت بالایی در مقایسه با هنگام ازدواج خودشان نسبت به داشتن تحصیلات دانشگاهی همسر آینده فرزندان، قائل می‌باشند.
- پدران در موقع ازدواج خودشان بسیار بیشتر از پسران، به خویشاوند بودن همسر آینده‌شان به عنوان ملاک همسرگزینی اهمیت می‌داده‌اند. مادران نیز در هنگام ازدواج خودشان، برای این معیار اهمیت بالایی قائل بوده‌اند.
- نسل والدین در مقایسه با نسل فرزندان، تمایل بیشتری نسبت به همشهری بودن همسر آینده، چه هنگام ازدواج خودشان و چه برای همسرگزینی فرزندانشان دارند. همچنین، تمایل نسل فرزندان نسبت به همشهری بودن همسر، بسیار بیشتر از خویشاوند بودن همسر است.
- بین پدران در هنگام ازدواج خودشان با پسران تفاوت محسوسی نسبت به هم قوم بودن همسر آینده‌شان وجود دارد. تفاوت بین مادران و دختران در این زمینه کمتر است.
- نسل والدین نسبت به هم قوم بودن همسر فرزندان در مقایسه با زمان ازدواج خودشان، تمایل کمتری را نشان داده‌اند.
- در مورد اهمیت معیار عشق و علاقه در همسرگزینی، نسل والدین و نسل فرزندان اهمیت بالایی به این معیار نشان می‌دهند و تفاوت قابل توجهی را بین گروه‌های پاسخگو از این نظر نمی‌توان استنباط نمود.
- در مورد معیار تفاهم و درک متقابل در همسرگزینی، دختران و پسران در مقایسه با نسل والدین اهمیت بیشتری قائل می‌باشند. نسل والدین برای همسرگزینی فرزندانشان نیز بیش از موقع ازدواج خودشان به این موضوع اهمیت می‌دهند.

- در مورد معیار تبحر زن در کارهای منزل در همسرگزینی، پدران در مجموع چه هنگام ازدواج خودشان و چه برای ازدواج فرزندانشان بیش از پسران، به این موضوع اهمیت داده‌اند.
- در مورد معیار مشارکت مردان در کارهای منزل در همسرگزینی، مادران و دختران به این موضوع اهمیت داده‌اند و تفاوت معنی‌داری در نظرات آن‌ها از این نظر مشاهده نمی‌شود.

نتایج به دست آمده در مورد عوامل مؤثر بر فاصله نسلی در معیارهای همسرگزینی

- هرچه افراد در نسل والدین مسن تر باشند، فاصله آن‌ها با نسل فرزندان در معیارهای همسرگزینی (فاصله نسلی) بیشتر است.
- فاصله نسلی مردان - فاصله معیارهای پدران با پسران - بیش از فاصله نسلی زنان - فاصله معیارهای مادران با دختران - است.
- فاصله نسلی پسران - در مقایسه با پدران - در معیارهای همسرگزینی بیش از دختران - در مقایسه با مادران - است.
- هرچه میزان تحصیلات پاسخگویان بیشتر باشد، فاصله نسلی‌شان بیشتر است.
- بین نوع اشتغال پاسخگویان و فاصله نسلی آن‌ها رابطه وجود دارد. دارندگان مشاغل ساده با دستمزد کم و زنان خانه‌دار و بازنشستگان دارای فاصله نسلی کمتر و دارندگان مشاغل مرتبه بالا با درآمد بالا، دارای بیش‌ترین فاصله نسلی هستند.
- هرچه پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتر باشد، فاصله نسلی بیشتر است.
- بین میزان استفاده از ماهواره، کانال‌های داخلی تلویزیون، رادیو، اینترنت و میزان مطالعه روزنامه و مجله و فاصله نسلی رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین میزان مطالعه کتاب و فاصله نسلی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.
- هرچه روابط خویشاوندی با بستگان پدر خانوار بیشتر باشد، فاصله نسلی کمتر است.
- بین میزان روابط خویشاوندی با بستگان مادر خانوار و روابط با دوستان و فاصله نسلی، رابطه معنی‌داری وجود ندارد.
- بین میزان استفاده از مراکز هنری، ورزشی و تفریحی و نیز شرکت پاسخگویان در مراسم مذهبی فاصله نسلی، رابطه معنی‌داری وجود ندارد.
- همچنین با استفاده از آزمون‌های تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر مشخص شد که مؤثرترین و تعیین‌کننده‌ترین عوامل در فاصله نسلی - با توجه به داده‌های این تحقیق - نوع شغل، میزان تحصیلات و در نهایت میزان استفاده از ماهواره بوده‌اند.

بین معیارهای نسل والدین برای همسرگزینی فرزندانشان با معیارهای نسل فرزندان برای همسرگزینی‌شان، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

نتایج نظری از یافته‌های تحقیق

تفاوت نسلی در پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی بالا و متوسط به ترتیب بیش از پایگاه‌های پایین می‌باشند. به نظر می‌رسد که در جامعه مورد بررسی ما (شهروندان شهر تهران)، پایگاه پایین جامعه نیز همچون پایگاه متوسط از روش‌های درونی (خانوادگی) استفاده می‌نمایند و به این جهت، فاصله نسلی در آن‌ها نسبت به پایگاه بالا و متوسط، کمتر است. همچنین عامل تحصیلات و آموزش نیز می‌تواند همچون: نظرات بنگستون و سایر دانشمندان، تفاوت‌های بین نسلی در جامعه مورد بررسی ما را در موضوع معیارهای همسرگزینی تحت تأثیر قرار دهد و همان‌گونه که در تحلیل رگرسیون مشاهده شد، عامل تحصیلات یکی از عوامل در کنار اشتغال و تماشای برنامه‌های ماهواره بوده است.

یکی دیگر از نظریاتی که یافته‌های تحقیق حاضر آن را تأیید می‌نماید، نظریه مراحل رشد است. طبق این نظریه، الگوی تأثیر بین والدین و فرزندان ممکن است در طول زمان تغییر کند و بچه‌ها در حرکت زمان به صورت افزایشی بر والدینشان تأثیر بگذارند.

همان‌گونه که در تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق مشاهده شد، معیارهای نسل والدین برای همسرگزینی فرزندانشان در بسیاری موارد در مقایسه با معیارهای آن‌ها برای ازدواج خودشان، در جهت معیارهای نسل فرزندان دگرگون شده است به گونه‌ای که در مجموع تفاوت معنی‌داری بین نظرات این دو نسل مشاهده نشد و این در حالی بود که در بسیاری از معیارها، تفاوت معنی‌داری بین نظرات نسل والدین برای همسرگزینی خودشان با معیارهای نسل فرزندان وجود داشته است.

در مورد نقش آموزش و تحصیلات نیز یافته‌های این تحقیق مؤید نظریاتی است که در این مورد از طرف برخی صاحب‌نظران از جمله: جاکوبسن و همکارانش و نیز نوک در مطالعاتی که در خانواده‌های ترکیه‌ای داشته‌اند، ابراز شده است.

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق، رابطه میزان استفاده از ماهواره و فاصله نسلی است. همان‌گونه که در تجزیه و تحلیل اطلاعات و در تحلیل رگرسیون مشاهده شد، میزان استفاده از ماهواره از عوامل تعیین‌کننده در تبیین واریانس فاصله نسلی در حوزه مورد مطالعه (معیارهای همسرگزینی) است. در توصیف یافته‌های تحقیق نیز مشاهده شد که اقشار مختلف اجتماعی در جامعه آماری مورد مطالعه (شهر تهران) از این وسیله ارتباطی استفاده می‌نمایند.

کاربردهای تحقیق و پیشنهادهای اجرایی در موضوع فاصله نسلی

این تحقیق و تحقیقات مشابه می‌توانند با شناخت جامعه مورد مطالعه به خصوص ارزش‌ها، توقعات و انتظارات نسل جوان، مسئولین فرهنگی و اجرایی را در فراهم نمودن امکانات لازم در جهت برنامه‌ریزی‌های مناسب برای این قشر از جامعه یاری نمایند. بی تردید ریشه‌یابی ارزش‌ها و معیارهای نسل جوان در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی‌شان از جمله: در مسئله ازدواج و همسرگزینی می‌تواند نقش زیادی در حل تعارضات نسل‌های والد و فرزندان داشته باشد. عدم توجه به خواسته‌های نسل جوان، هزینه‌های زیادی را هم برای خانواده‌ها و هم برای نهادهای مختلف جامعه در پی خواهد داشت. موضوع مورد مطالعه این تحقیق که در حال حاضر به طور مستقیم مسئله ازدواج جوانان را که یکی از مسائل مبتلا به جامعه و خانواده‌ها می‌باشد، مورد بررسی قرار می‌دهد، می‌تواند راهکارهای مفیدی را در نزدیک سازی افکار، عقاید، ارزش‌ها و معیارهای هر دو نسل فراهم نماید و از تنش‌های خانوادگی ناشی از تضارب افکار والدین و فرزندان و نیز تنش‌های موجود در جامعه که ناشی از عدم تفاهم و سازگاری نسل گذشته که مسئولین نهادهای اجتماعی و فرهنگی را نیز شامل می‌شود و نسل جدید که جوانان هستند، جلوگیری نماید. ایجاد کانون‌های فرهنگی و اجتماعی با مشارکت جوانان، میان‌سالان و بزرگسالان که با مشارکت، حمایت و همراهی نهادهای دولتی خواهد بود، می‌تواند به این امر کمک شایان توجهی نماید.

گسترش مراکز اوقات فراغت که در آن‌ها جوانان و بزرگسالان بتوانند در کنار یکدیگر به گذران اوقات بیکاری خود پرداخته و در تعامل با یکدیگر به فعالیت‌های گوناگون ورزشی، تفریحی، هنری و فرهنگی بپردازند، موجب تقریب افکار و عقاید آن‌ها شده و می‌تواند تفاهم و درک متقابل ارزش‌ها و خواسته‌های آن‌ها را به همراه داشته باشد. همچنین، استفاده هرچه بیشتر از تلویزیون به عنوان «رسانه ملی» در اجرای برنامه‌های گفتگو و مناظره بین دو نسل والدین و فرزندان می‌تواند در این زمینه بسیار تأثیرگذار باشد.

منابع

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. مریم وتر. تهران: انتشارات کویر
- جهانبخش، اسماعیل (۱۳۸۲) راهنمای ساده کاربرد آزمون‌های آماری در پژوهش‌های علمی. اصفهان: انتشارات دانش‌پژوهان برین
- خالقی فر، مجید() بررسی ارزش‌های مادی و فرامادی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، عوامل مؤثر بر آن و رابطه آن با برخی از نشانگان فرهنگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- خلیفه، عبدالطیف محمد(۱۳۷۸) بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها. سید حسین سیدی. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
- ریشه، گی(۱۳۶۶) تغییرات اجتماعی. منصور وثوقی. تهران: نشر نی
- ریتز، جورج(۱۳۷۷) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
- سگالن، مارتین (۱۳۷۰) جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز
- مانهایم، کارل(۱۳۸۰) ایدئولوژی و اتوپیا. فریبرز مجیدی. تهران: انتشارات سمت
- محسنی تبریزی، علیرضا(۱۳۸۰) آسیب‌شناسی اجتماعی جوانان: بررسی انزوای ارزشی (بیگانگی فرهنگی) و مشارکت فرهنگی در محیط‌های دانشجویی کشور. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
- ممتاز، فریده(۱۳۷۲) «جزوه درسی نظریه‌های جامعه‌شناسی ۲». تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهید بهشتی.
- مهدوی، محمد صادق(۱۳۷۷) بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- Manheim, Karl (1952) *The problem of generation, in essays on the sociology of knowledge*. Routledge and Kegan Paul

Youth, Parents and Their Differences in the Mate Selection Criteria

Esmail Jahanbakhsh

Ph. D. Sociology Lecturer of Islamic Azad University, Dehaghan Branch

Received: 4 Apr.2012

Accepted: 16 Jun. 2012

The purpose of this research is to examine the Generation Difference in Mate Selection Criteria and their Social Causes among the single youths and the parents in Tehran.

The research population were the single boys and girls aged above 19 and the parents having a single child above 19.

Research Method was "Survey", and the data have collected using the questionnaires. 600 persons (150 persons in each group of research population) from all zones of Tehran were selected by Random Stratified Multi-Stage Sampling Method as the Sample.

The obtained data reveals the fact that there is a significant difference between the parent's mate selection criteria of their own marriages and of the youths; and that some variables including gender, age, education, job, socio-economic status, familial relations and using some mass media are effected on the generation difference in the subject of the survey; among these variables, as Multi-Variable Regression and Path Analysis revealed, job position, education level and the amount of the usage of satellite TV programs respectively are the most effective variables that causes these differences. These variables explain 49% of variances of Generation Difference in Mate Selection Criteria.

Statistical tests revealed that the differences between the parent's mate selection criteria for the marriages of their youths and of the single boys and girls were not significant in general.

Key Words: Generation Difference, Mate Selection Criteria, Parents, Single Youths, Socio-Economic Status, Familial Relations and Mass Media